

ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

اولین امام مؤمنین و خلیفه الله بلا فصل بعد از رسول الله خاتم النبیین (صلی الله علیه وآله)، برادر، پسر عمو، وزیر و داماد او سید الوصیین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در روز جمعه 13 رجب در بیت الله الحرام، داخل کعبه معظمه به دنیا آمد، که قبل از او و بعد از او مولودی در آنجا بدنیا نیامده و نخواهد آمد. (1) اسم شریفش علی (علیه السلام) است. صاحب کتاب الانوار می گوید: علی بن ابی طالب (علیه السلام) در کتاب خدا 300 اسم دارد. (2) مشهورترین القاب آن حضرت امیرالمؤمنین است و ابن شهر آشوب بیش از 850 لقب برای آن حضرت ذکر نموده است. (3)

القاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشهورترین کنیه های آن حضرت ابوالحسن (علیه السلام) است. اضافه بر اسامی و القابی که آن حضرت در کتاب های مختلف آسمانی به زبان های مختلف دارند... چه اینکه آن حضرت نزد اهل آسمان معروف به شمساطیل است. در زمین جمحائیل، در لوح قنسوم، در قلم منصوم، در عرش معین، نزد رضوان امین است، نزد حور العین اصب است، در صحف ابراهیم (علیه السلام) حزیل است، در عبرانیه بلقیاطیس، در سریانیه شروحیل، در تورات ایلیا، در زبور اریا، در انجیل بریا، در صحف حجر عین، در قرآن علی است. (4)

والدین امیرالمؤمنین (علیه السلام)

پدر والامقام آن حضرت، سید بطحاء حضرت ابوطالب (علیه السلام) (5)، و مادر آن حضرت فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبدمناف، بانوی حرم حضرت ابوطالب (علیه السلام) است که انوار امامت و ولایت اولاد از آن خزانه عصمت و گنجینه حیات و عفت به ظهور آمده و اولین هاشمیه ای است که چنین اختر فروزنده ای آورد.

آن حضرت نه تنها مادر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود، بلکه بعد از وفات عبدالمطلب (علیه السلام) - که شش یا هشت سال از سن مبارک پیامبر (صلی الله علیه وآله) گذشته بود و آن حضرت به ابوطالب (علیه السلام) سپرده شده بود - فاطمه بنت اسد (علیها السلام) در حق پیامبر (صلی الله علیه وآله) مادری می‌کرد و همیشه او را بر فرزندان خود مقدم می‌داشت و همه روزه از آن حضرت علامات نبوت را مشاهده می‌نمود و پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) آن حضرت را مادر خطاب می‌کرد. (6)

همچنین بعد از رحلت حضرت خدیجه کبری (علیها السلام)، پیامبر (صلی الله علیه وآله) فاطمه زهرا (علیها السلام) را به فاطمه بنت اسد (علیها السلام) سپردند. ایشان برای آن حضرت مادری می‌کرد و در دامن عزت خود آن مستوره دو جهان را با جان و دل سرپرستی می‌کرد تا زمانی که از دنیا رفت. (7)

آن حضرت در سال چهارم هجری در مدینه طیبه از دنیا رفت، و در بقیع مدفون شد. هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) خبر فوت والده‌اش را به پیامبر (صلی الله علیه وآله) دادند آن حضرت فرمودند: «او مادر من بود». بعد عمامه و لباسش را داد که فاطمه (علیها السلام) را به آنها کفن کنند و خود حضرت بر جنازه نماز خواند و چهل تکبیر بر جنازه گفت و فرمود: «چون چهل صف از ملائکه به جنازه‌اش نماز خواندند چهل تکبیر گفتم». بعد در قبر خوابید و هنگام دفن او را تلقین فرمود و درباره او دعا کرد. (8)

نور امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اصلاص پدران حدیث ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم دلالتی بر صلابت ایمان فاطمه بنت اسد (علیها السلام) مادر آن حضرت دارد. (9) نوری که از عرش پروردگار آمده بود، در انبیاء و اوصیاء یکی بعد از دیگری منتقل شده تا به عبدالمطلب (علیه السلام) رسید و بعد آن نور دو قسم شد. نوری در پیشانی مبارک عبدالله (علیه السلام) پدر بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه وآله) که آن نور بعداً به پیشانی آمنه (علیها السلام) و سپس در صورت مبارک خاتم الانبیاء (صلی الله علیه وآله) منتقل شد. نصف دیگر نور در پیشانی مبارک ابوطالب (علیه السلام) قرار گرفت.

خداوند به ابوطالب (علیه السلام) چند فرزند عطا فرمود: عقیل، طالب، جعفر، فاخره یا ام هانی، جُمانه و علی امیرالمؤمنین (علیه السلام). هنگامی که خداوند علی (علیه السلام) را به ابوطالب و فاطمه بنت اسد (علیها السلام) داد، آن نور در صورت فاطمه بنت اسد (علیها السلام) درخشندگی می‌کرد.

محل ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مکان ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اشرف بقاع یعنی حرم است. اشرف اماکن حرم مسجد است، و اشرف بقاع مسجد کعبه است. مولودی جز آن حضرت در آن مکان به دنیا نیامده است، آن هم در سید ایام روز جمعه، در ماه حرام و در بیت الحرام!! (10)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) سه روز چشم مبارک را باز نکرد، تا او را خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) آوردند. آنجا بود که چشم باز کرد. آن حضرت فرمود: «او مرا مخصوص به نظر خود قرار داد و من او را مخصوص به علم خویش قرار دادم». (11) سپس آن حضرت را در آغوش کشید و به منزل ابوطالب (علیه السلام) آورد. (12)

پیشگویی از ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) (13)

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: راهبی بود به نام «مثرم بن رعیب» که 190 سال عبادت کرده بود، ولی حاجتی از خدا نخواست. روزی از خداوند خواست یکی از اولیائش را به او بنمایاند. خداوند متعال جناب ابوطالب (علیه السلام) را نزد او فرستاد و بعد از آن که راهب دانست این آقا چه کسی است، به آن حضرت بشارت داد که ای ابوطالب، خداوند به تو پسری عنایت می‌فرماید که او ولی خداست و اسم شریف او علی است. هنگامی که او را درک کردی سلام مرا به او برسان و به او بگو که مثرم راهب، اقرار می‌کند به وحدانیت خدا و به ولایت تو یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) شهادت می‌دهد.

هنگام رفتن جناب ابوطالب (علیه السلام) خرما و انگور و انار بهشتی میل فرمودند و به منزل آمدند. فاطمه بنت اسد (علیها السلام) بانوی حرم جناب ابوطالب (علیه السلام) هم خرمایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن حضرت داده بودند میل فرمود، و به ابوطالب (علیه السلام) هم دادند و آن حضرت هم میل فرمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده بودند: این خرما را کسی می‌خورد که مقرر به توحید و نبوت من باشد. بعد از آنکه پدر و مادر آن حضرت، میوه‌های بهشتی را میل فرمودند وجود حضرت مولی الموحدين علی بن ابی طالب (علیه السلام) به وجود آمد. هنگامی که فاطمه بنت اسد (علیها السلام) حامل آن وجود شریف شد، به زیبایی و نورانیتش افزوده شد.

انعقاد نطفه امیرالمؤمنین (علیه السلام) (14)

هنگامی که وجود شریف آن حضرت در بطن فاطمه بنت اسد (علیها السلام) قرار گرفت در مکه زلزله شد، و قریش بتها را به کوه ابوقبیس آوردند، ولی زلزله بیشتر شد و بتها به رو افتادند. آنان به ابوطالب (علیه السلام) پناه بردند، و آن حضرت بالای کوه آمد و فرمود: «مردم در این شب اتفاق مهمی افتاده است. خداوند خلقی را آفریده که اگر از او اطاعت نکنید و اقرار به ولایت او ننمایید و شهادت به امامت او ندهید این زلزله ساکن نمی‌شود. پس به اطاعت و ولایت و امامت او اقرار کنید». سپس در حالی که اشک می‌ریخت دستان مبارک را بلند نمود و فرمود: «پروردگار من و آقای من، تو را می‌خوانم به محمدیت پسندیده و علویت بلند مرتبه و به فاطمیت درخشنده و نورانی که بر سرزمین تهامه به رحمت و مهربانی خویش لطف بفرمایی». دیگران آمین گفتند. دعا که تمام شد زلزله پایان یافت. عرب‌ها در زمان جاهلیت تا گرفتار می‌شدند این دعا را می‌خواندند و گرفتاری برطرف می‌شد.

جعفر بن ابی طالب (علیهما السلام) صدای آن حضرت را از شکم مادر شنید و بیهوش شد. همچنین فاطمه بنت اسد (علیها السلام) به قصد طواف گرد خانه خدا می‌رفت، ولی ناگهان آن حضرت از داخل شکم دو پای خود را به

شدت فشار می‌داد و نمی‌گذاشت مادرش به محلی که بتها نصب شده‌اند نزدیک شود، و حال آنکه مادرش برای عبادت خانه خدا را طواف می‌کرد. زمانی دیگر، بتها در مقابل آن فرزند دنیا نیامده به صورت به زمین می‌افتادند. شیر درنده طائف در برابر ابوطالب (علیه السلام) تعظیم کرد. هنگامی که آن حضرت علت را جویا شد شیر گفت: شما پدر اسد الله و کمک محمد پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و مربی شیر خدا هستی.

مادر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در کعبه شب جمعه سیزدهم رجب بانوی بزرگوار ابوطالب (علیه السلام) احساس درد کرد، ولی با قرائت نامی مخصوص آرامش پیدا کرد. هنگامی که جناب ابوطالب (علیه السلام) خواست زانی از قریش را برای کمک فاطمه بنت اسد (علیها السلام) بیاورد، از گوشه خانه ندایی رسید: «ای ابوطالب، صبر کن چرا که دست نجس نباید ولی خدا را لمس کند».

صبح هنگام فاطمه بنت اسد (علیها السلام) ندایی شنید: «ای فاطمه به خانه ما بیا». ابوطالب (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه وآله) آن حضرت را به مسجد الحرام آوردند. عباس بن عبدالمطلب که به همراه جماعتی در مسجد نشسته بودند، دیدند که فاطمه (علیها السلام) وارد مسجد الحرام شد و در مقابل کعبه ایستاد و نگاهی به سوی آسمان نمود و چنین فرمود: «پروردگارا، من به تو و به پیامبران و کتاب‌هایی که از جانب تو آمده‌اند ایمان دارم. من کلام جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می‌کنم و او بوده که این خانه را بنا کرده است. تو را قسم می‌دهم و از تو می‌خواهم به حق کسی که این خانه را بنا کرد، و به حق فرزندی که در شکم من است و با من سخن می‌گوید و با گفتارش با من انس می‌گیرد، و من یقین دارم که یکی از آیات و نشانه‌های توسست، که این ولادت را بر من آسان فرمایی». (15)

ناگهان حاضرین در مسجد الحرام دیدند که دیوار پشت آن سمتی که در کعبه است شکافته شد و فاطمه بنت اسد (علیها السلام) داخل شد. هر چه کردند قفل در کعبه را باز کنند ممکن نشد، و دانستند که حکمت خداوند در کار است. (16)

فاطمه بنت اسد (علیها السلام) می‌فرماید: هنگامی که داخل کعبه شدم دیدم حوا، ساره، آسیه، مادر موسی بن عمران و مریم مادر عیسی آمدند. آنان به من سلام کردند: «السلام علیک یا ولیة الله» و در مقابلم نشستند. آنچه در ولادت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه وآله) انجام دادند در ولادت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز انجام دادند، چه اینکه فاطمه بنت اسد (علیها السلام) در هنگام ولادت پیامبر (صلی الله علیه وآله) حضور داشت و به ابوطالب (علیه السلام) ماجرا را خبر داد. حضرت ابوطالب (علیه السلام) قبلاً به او فرموده بود: «30 سال صبر کن تا خدا مولودی به تو عنایت کند مثل خاتم الانبیاء (صلی الله علیه وآله) مگر در نبوت که وصی و وزیر او خواهد شد». (17)

روز ولادت امیرالمؤمنین(علیه السلام)

روز جمعه علی بن ابی طالب (علیهما السلام) مانند خورشید بر روی سنگ سرخ در گوشه راست کعبه طلوع فرمود. همین که قدم بر زمین کعبه نهاد، به سجده افتاد و دست‌ها را سوی آسمان بلند نمود و فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله، و ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی محمد رسول الله، بمحمد یختم الله النبوة و بی یختم الوصية و انا امیرالمؤمنین»: «شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر خداوند است و علی وصی محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) است. به محمد نبوت ختم می‌شود و به من وصایت کامل و تمام می‌شود و منم امیرالمؤمنین». (18) سپس فرمود: «جاء الحق و زهق الباطل»: «حق آمد و باطل رفت».

در این هنگام که وجود سرا پا جودش پای بر این عرصه خاکی نهاده بود، بت‌هایی که در کعبه بود به صورت به زمین افتادند و آسمان‌ها نورانی شد. شیطان فریاد برآورد: «وای بر بت‌ها و بت‌پرستان از این فرزند!»

سخنان امیرالمؤمنین(علیه السلام)

پس از ولادت آنگاه سلام بر زنان بهشتی نمود و حال آنان را پرسید. بانوان بهشتی او را در آغوش گرفتند و حضرت با آنان تکلم فرمودند. هنگامی که حضرت حوا(علیها السلام) او را در آغوش گرفت، آن حضرت فرمود: «سلام بر تو ای مادر، حوا!» حوا(علیها السلام) پاسخ داد: سلام بر تو پسر! علی بن ابی طالب(علیه السلام) از حال حضرت آدم پرسید. حوا (علیها السلام) پاسخ داد: غرق در نعمت‌های خداوند است و در جوار پروردگار متنعم است. در این هنگام که آن حضرت داخل کعبه بود ابوطالب (علیه السلام) در کوچه و بازار صدا می‌زد: بشارت باد شما را که ولی خدا ظاهر شده است، همان کسی که وصایت به او تمام و کامل می‌شود. (19)

بعد از رفتن زنان بهشتی، پیامبران الهی حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی (علیهم السلام) آمدند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) با دیدن آنان حرکتی نمود و تبسم فرمود و آن بزرگواران بر حضرتش سلام کردند: «سلام بر تو ای ولی خدا و خلیفه پیامبر خدا».

حضرت در جواب فرمود: «علیکم السلام و رحمة الله و برکاته». و جداگانه بر هر یک سلام نمودند. آن بزرگواران یکی بعد از دیگری او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و زبان به مدح او گشودند و رفتند. سپس ملائکه آمدند و او را به آسمان‌ها بردند، و باز آوردند و بردند و هر بار کلماتی مخصوص در فضایل و مناقب حضرت می‌فرمودند. (20) فاطمه بنت اسد (علیها السلام) می‌فرماید: بار دوم در حالتی آن حضرت را آوردند که او را در حریر سفید بهشتی پیچیده بودند و به من گفتند: «او را از چشم بینندگان حفظ کن که ولی رب العالمین است. بدانکه وارد بهشت نمی‌شود مگر کسی که ولایت او را بپذیرد و امامت و ولایت او را تصدیق کند. خوشا به حال آن که تابع اوست و وای بر کسی که از او رویگردان شود. مثل او چون کشتی نوح است. هر که به آن پیوست نجات می‌یابد و هر که از

آن باز ماند غرق می‌شود و سقوط می‌کند». سپس در گوش او مطلبی گفتند که من نفهمیدم. بعد او را بوسیدند و برخاستند و بیرون رفتند و من ندانستم از کجا خارج شدند.(21)

سه روز در کعبه فاطمه بنت اسد(علیها السلام)

بعد از سه روز که مهمان الهی بود فرزند مبارک و محترم خود را در آغوش گرفته آماده خروج از کعبه شد که هاتفی غیبی چنین ندا داد: «ای فاطمه، نام این مولود را علی بگذار، چرا که من خدای علی هستم. من نام او را از نام خود گرفته‌ام، و او را ادب آموخته‌ام و امر خود را به او سپرده‌ام، و او را بر غوامض علم خود آگاهی داده‌ام. او در خانه من به دنیا آمده است. او اول کسی است که بر فراز خانه من اذان می‌گوید، و بتها را می‌شکند، و آنها را از بالای کعبه به صورت می‌اندازد. خوشا به حال کسی که او را دوست می‌دارد و از او اطاعت می‌کند و او را یاری می‌نماید. وای بر کسی که بغض او را دارد و از او سرپیچی می‌کند و او را خوار می‌نماید و حق او را انکار می‌نماید».(22)

در این سه روز در هر محفلی سخن از ولادت این مولود مبارک و استثنایی بود، بخصوص باز نشدن قفل در کعبه، شکافته شدن دیوار کعبه در روز و دیدن آن توسط کفار، این مطلب را به صورت یک مسئله عمومی درآورده بود.

طلوع نور علی(علیه السلام)

در آغوش پیامبر (صلی الله علیه وآله صبح روز چهارم در مقابل دیدگان به انتظار نشسته، ناگهان دیوار کعبه از مکان قبلی شکاف برداشت به حدی که فاطمه بنت اسد (علیها السلام) با فرزند عزیزش از آنجا خارج شدند. مردم همه نگاه می‌کردند و قبل از سؤال کسی، فاطمه بنت اسد (علیها السلام) از بعضی وقایع داخل خانه خبر داد و از عظمت آن مولود و غذاهای بهشتی و اینکه نام این حضرت به ندای آسمانی علی (علیه السلام) است. ابوطالب (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیش آمدند، و فاطمه بنت اسد (علیها السلام) با مولود پیش آمد. حضرت مولى الموالى علی(علیه السلام) فرمودند: «السلام علیک یا اَبه و رحمة الله و برکاته». ابوطالب(علیه السلام)فرمود: «و علیک السلام یا بُنَّی و رحمة الله و برکاته»، و آن حضرت را در آغوش گرفت.(23) امیرالمؤمنین(علیه السلام) چشمان مبارک به صورت پیامبر(صلی الله علیه وآله) باز کرد و تبسم فرمود و خود را حرکتی داد و فرمود: «السلام علیک و رحمة الله و برکاته، مرا در آغوش بگیر».

پیامبر(صلی الله علیه وآله) پاسخ سلامش را داد و آن حضرت را در آغوش گرفت، و بوسید و دست در دست او گذاشت. آنگاه امیرالمؤمنین(علیه السلام) دست راست بر گوش نهاد و اذان و اقامه فرمود و به یگانگی خداوند عز وجل و نبوت پیامبر(صلی الله علیه وآله) شهادت داد.(24) سپس از پیامبر(صلی الله علیه وآله) برای قرائت

کتب آسمانی اجازه خواست. بعد از آنکه پیامبر(صلی الله علیه وآله) اجازه فرمود، سینه را صاف کرد و آنچه در صحف حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی(علیهم السلام) بود قرائت فرمود. سپس شروع به قرائت قرآن نمود که هنوز نازل نشده بود. آن حضرت سوره مبارکه مؤمنون را آغاز کرد: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ...». سپس در حالتی که آن حضرت در آغوش رسول الله(صلی الله علیه وآله) بود به خانه ابوطالب(علیه السلام) بازگشتند.(25) فاطمه بنت اسد(علیها السلام) می فرماید: هنگامی که از کعبه خارج شدم و فرزند را نزد پیامبر(صلی الله علیه وآله) گذاشتم، آن حضرت با زبان مبارک دهان علی(علیه السلام) را باز کرد و او را با آب دهان مبارک تحنیک کرد و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ آن حضرت گفت و فرمود: «این مولودی است که بر فطرت به دنیا آمده است».(26)

در روز سوم ولادت حضرت یا روز سوم خروج از کعبه و در بعضی اقوال دهم ذی الحجه، حضرت ابوطالب(علیه السلام) ولیمه مفصلی داد و فرمود: «بیایید برای ولیمه علی بن ابی طالب و قبلا هفت بار کعبه را طواف کنید و بعد بر فرزندان علی (علیه السلام) سلام کنید».(27) کودکی علی (علیه السلام) با پیامبر(صلی الله علیه وآله) امیرالمؤمنین(علیه السلام) درباره دوران کودکی خود و همراه بودن با پیامبر(صلی الله علیه وآله) چنین می فرمایند: به هنگام کودکی، پیامبر(صلی الله علیه وآله) مرا به دامن می گرفت، و به سینه می چسباند. غذا را می جوید و به دهانم می گذارد. از بوی خوش خویش به مشام جانم می بویانید. او در گفتارم دروغ و در کردارم اشتباه و نادانی نیافت. خداوند پیامبر(صلی الله علیه وآله) را از هنگام شیرخوارگی با بزرگ ترین فرشتگان همراه کرد، تا شبانه روز او را در راه بزرگواری ها و نیکی های جهان رهنمون باشد. من نیز از پیامبر(صلی الله علیه وآله) پیروی می کردم، چنانکه کودک شیرخواری از مادر فرمان می برد و از کردارهای او پیروی می کند. هر سال به کوه حرا می رفت، و در این هنگام هیچ کس جز من او را نمی دید.(28)

پاورقی‌ها:

1. حاکم در مستدرک می گوید: اخبار متواتر است در اینکه فاطمه بنت اسد(علیها السلام) حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) را در داخل کعبه به دنیا آورده است: ج 3 ص 483.
- احمد بن عبدالرحیم دهلوی مشهور به شاه ولی الله (پدر عبدالعزیز دهلوی که کتاب التحفة الاثنی عشریة را نوشته است) در کتاب "ازالة الخفاء" می گوید:
- اخبار متواتر است در اینکه فاطمه بنت اسد(علیها السلام) امیرالمؤمنین(علیه السلام) را در داخل کعبه در روز جمعه 13 رجب 30 سال بعد از عام الفیل به دنیا آورده است، و کسی قبل از آن حضرت و بعد از آن حضرت در آن مکان به دنیا نیامده است. الغدير: ج 6 ص 22. زاد المعاد: ص 21.
- کلمات بزرگان شیعه در این باب زیادتیر از آن است که در این مختصر ذکر شود. به جلد 6 الغدير تحت عنوان "ولادة امیرالمؤمنین(علیه السلام) فی الکعبة" مراجعه شود.
- مدارکی از کتب اهل خلاف که دلالت دارد ولادت امیرالمؤمنین(علیه السلام) در داخل کعبه بوده است: کتاب الحسین(علیه السلام): ج 1 ص 16. مروج الذهب: ج 2 ص 2. تذکرة خواص الامة: ص 7. الفصول المهمة: ص 14. السيرة النبوية: ج 1 ص 150. مطالب السؤل: ص 11. محاضرة الأوائل: ص 120. نزهة المجالس: ج 2 ص 204. نور الابصار: ص 76. كفاية الطالب: ص 37.
2. مناقب ابن شهر آشوب: ج 3 ص 319.
3. مناقب ابن شهر آشوب: ج 3 ص 321.

- 4 . مناقب ابن شهر آشوب: ج 3 ص 319.
- 5 . مختصری از احوال حضرت ابوطالب (علیه السلام) در 26 رجب ذکر می شود.
- 6 . منتخب التواریخ: ص 113.
- 7 . تلخیص از ریاحین الشریعة: ج 3 ص 3، 4، 5، 6 .
- 8 . منتخب التواریخ: ص 113. اعلام الوری: ج 1 ص 306.
- 9 . ریاحین الشریعة: ج 3 ص 6 - 7 .
- 10 . مناقب ابن شهر آشوب: ج 2 ص 200.
- 11 . مناقب ابن شهر آشوب: ج 2 ص 204 - 205.
- 12 . كشف الغمة: ج 1 ص 59 .
- 13 . مناقب: ج 2 ص 192 - 193، 197. روضة الواعظین: ج 1 ص 78.
- 14 . مناقب ابن شهر آشوب: ج 2 ص 196 - 197. روضة الواعظین: ج 1 ص 79. بحار الانوار: ج 35 ص 11.
- 15 . مناقب ابن شهر آشوب: ج 2 ص 198 - 199. امالی شیخ طوسی: ص 706. بحار الانوار: ج 35 ص 8 - 36. آفتاب کعبه: ص 45.
- 16 . اعلام الوری: ج 1 ص 306. ارشاد: ج 1 ص 5 .
- 17 . بحار الانوار: ج 35 ص 6. روضة الواعظین: ج 1 ص 81 .
- 18 . مناقب: ج 2 ص 198.
- 19 . روضة الواعظین: ج 1 ص 79. مناقب: ج 2 ص 198. بحار الانوار: ج 35 ص 13.
- 20 . علی(علیه السلام) ولید الکعبة: ص 32.
- 21 . علی(علیه السلام) ولید الکعبة: ص 32.
- 22 . بحار الانوار: ج 35 ص 9 - 37.
- 23 . مناقب: ج 2 ص 198.
- 24 . بحار الانوار: ج 35 ص 22. مناقب: ج 2 ص 198.
- 25 . بحار الانوار: ج 35 ص 18. مناقب: ج 2 ص 172. كشف الغمة: ج 1 ص 59 .
- 26 . مناقب: ج 2 ص 199.
- 27 . مناقب: ج 2 ص 199.
- 28 . قسمت های آخر خطبه 234 نهج البلاغة فیض الاسلام: ص 802 .